هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

سوله او ویره

ص۲

تأسیس یک مرکز عملیاتی وزارت دفاع امریکا در شهر بلخ

ص۶

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ دوازدهم ۱۹ سرطان ۱۳۸۹ ۲۸ رجب المرجب ۱۴۳۱ – 10 july 2010

آیا استراتژی جدید کنار نهاده خواهد شد؟

جوبایدن معاون رئیس جمهور امریکا در دیداری از عراق از استراتژی نظامی ایالات متحدهء امریکا در عراق دفاع نموده و در صحبت با یک شبکهء تلویزیونی امریکائی از رهبران افغان خواست تا بقول خودش (وارد بازی) شوند و مسئولیت های بیشتری را بعهده بگیرند. زیرا بقول بایدن حضور امریکا در افغانستان ابدی نخواهد بود.

وی گفت که اوباما استراتژی درستی را اتخاذ کرده و بار مسئولیت را بر دوش رئیس جمهور کرزی نهاده است تا مبارزه با فساد اداری را با جدیت دنبال کرده و اردو و پولیس ملی افغانستان را تقویت نماید.

سناتور جمهوریخواه جان مک کین که همراه با سناتور جان لیدنسی و جوزف لیبرمن که اولی جمهوریخواه و دومی مستقل است، در سفر به افغانستان از قندهار نیز دیدن کردند. ولایتی که گفته می شود بزودی عملیات بزرگی علیه طالبان در آن آغاز خواهد شد وامریکائی ها امیدوار اند این عملیات ابتکار عمل در جنگ افغانستان را از طالبان بگیرد.

باراک اوباما رئیس جمهور امریکا اعلام داشت که شش ماه بعد استراتژی امریکا در مورد افغانستان مورد بازنگری قرار خواهد گرفت اما برنامهء خروج نیروهای امریکائی طبق اعلان قبلی از اخیر تابستان ۲۰۱۱ آغاز خواهد شد.

جوبایدن در عکس العمل به این خواست که باید تاریخ خروج نیروهای امریکائی از افغانستان تعیین گردد گفت که این کار یک اشتباه خواهد بود و موجب جسورتر شدن طالبان خواهد گردید.

این اظهارات ضد ونقیض میان مسئولین ص ۲

د هیلو او گوابنونو ترمينځه راتلونکې ولسي جرگه

۳مخ



گستردگی فساد مالی و اداری دادستان کُل امریکا را به کابل فراخواند

ص ۵

۳۱ تن نامزدان انتخابات پارلمانی از لست حذف شدند

کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی از حذف اسامی ۳۱ نفر از نامزدهای انتخابات پارلمانی از فهرست نهایی نامزدها خبر داده است.

مقامات این کمیسیون گفته اند این افراد به عضویت در گروه های مسلح غیرقانونی متهم هستند، به این دلیل نمی توانند در انتخابات پارلمانی شرکت کنند. اما کمیسیون شکایات انتخاباتی تا حال روی هر ملحوظی که است از افشای نام کاندیدائ محروم شده، به رسانه ها خود داری کرده است.

به گفتهٔ آقای رفعت، عضو کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی، تصمیم حذف نام های این افراد در فهرست نهایی نامزدها، نهایی است و امکان تجدیدنظر خواهی در این تصمیم وجود ندارد.

برخی ها این تصمیم کمیسیون شکایت انتخاباتی را بی وقت می خوانند و می گویند، چنین تصمیم باید زمانی اتخاذ می شد که نامزد در لست نهایی شامل نمی شد و همچنان به تهیهٔ مواد تبلیغاتی و کمپاین دست نمی یازید.

گمانه زنی های وجود دارد، حکومت کسانی را که نخواهد در پارلمان آیندهٔ کشور راه پیدا کند، به بهانه های مختلف شاید سد راه شان قرار گیرد.

همچنان در بارهٔ راه اندازی به وقت انتخابات تا هنوز مردم به دیدهٔ شک و تردید می نگرند. یکی از این نگرانی ها وضعیت بد امنیتی در کشور است. قسمی که سرپرست سابق وزارت امور داخله گفته بود، نه ولسوالی امن در کل کشور داریم، صاحبنظران این گفته را نوعی سبوتاژ انتخابات پارلمانی تلقی می کنند. چنین اظهارات روی هر هدفی که استوار بوده باشد، باشندگان کشور را در تمام عرصه دچار مشکل گردانیده است.



اردوغان کیست و چگونه به قدرت رسید

ص۵



ویژگی های مبارزهٔ اسلامی

ص۴

د پاکستان د حکومت له خوا د پنجاب د نا امنيو په نتيجه کې د ملي کنفرانس پریکړه

۳مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپه کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

سوله او ویره

زمونږ خلک چې له کلونو کلونو جنګونو نه ستړي شوي دي. په سوله او د سولې په پلی کیدو باور نلري او ډاډمن ندي.

د دولت وسله وال مخالفین د سولې له وړاندیز نه هر کلی نه کوي او د خبرو لپاره تیاری نه ښیي!

بهرنیان. پرله پسې د وتلو خبره کوي! امریکائیان وایي چې په راتلونکی کال کې به له زمونږ هیواد څخه په وتلو پیل کوي ... انګریزان له سنګین ولسوالی څخه وتلی دی او هغه ولسوالي یې امریکائیانو ته سپارلی. آسترالیا. کانادا او اروپایي هیوادونه هم د پاتی کیدو نیت نلري او ددې هیوادونو خلک د پاتی کیدو ملاتړی نه دي.

له دې حالت نه زمونږ خلک هم خبر دي او داسې ویرې شته چې د بهرنیانو له وتلو نه پس. دولت د مخالفینو یرغل ته نشي ټینګیدای او بیا په هیواد کې د نورو جګړو اوسنی جنګونو جتسل شته او که چیری دولت مقاومت ونکړی اویا د مقاومت توان ونلري. نو ارومرو د افغانستان خلک مقاومت کوی او نه پریږدی چې یوځل بیا د دوی په روا حقونو باندی تیری وشي.

خدای مکړه چې داسې وشي. د دې هیواد مشران به هیڅکله پرې نږدي چې یوځل بیا په هر ولایت. هرښار او هره ولسوالۍ کې په کلو او بانډو د متخاصمو ډلو ترمنځ جګړې وشي او دخلکو سوله ایز کرونډ نه جدي ګواښ متوجه شي.

د سولې ملي مشورتي جرګه په همدې موخه دایره شوې وه چې له مخالفینو سره د سولې او روغې جوړې لپاره لیاری ولټول شي او امکانات او زمینې برابرې شي. دا یو لوړ او اوچت ګام و چې تر سره شوه. اوس په کار دی چې نور عملي ګامونه پورته شي او د پخلاینې لپاره لاره اواره شي.

وسله وال مخالفین هم په دې باندې پوه دي چې د جګړې له لیاری نشي کولای چې واک ته ورسیږي او که چیری واک هم تر لاسه کړي. نو د دوی حکومت په د نړیوالو او په تیره ګاونډیانو لپاره به دمنلو وړنه وي.

دوی نو په چا باندی به حکومت وکړي. دوی به څرنګه وکولایشي چې بهرنی اړیکې ټینګې کړي او څنګه وکولای شي چې د بیا جوړونی او رغونې لپاره کار وکړي او د هغه لپاره مرستې تر لاسه کړي. آیا د دوی مخالفین به چپ او آرام کیني او هیڅ مقاومت به نه وي...

نو لازمه ده چې سر له نن نه د سولې لپاره او د دواړو خواوو ارزښتونوته د درناوي پر بنسټ جدي کار پیل شي او هیڅکله د بهرنیانو د شتون او یا د هغوی د دوامداره ملاتړ باندې تکیه ونشي. راځی چې مونږ افغانان پخپلو منځونوکی سره جوړ شو او د سولې او روغې جوړې لپاره لیاری ولټو او په ډیر اخلاص او صداقت سره او په هر اړخیزه توګه کار وکړو.

آیا استراتژی جدید کنار نهاده خواهد شد؟

وحید مژده

بقیه از صفحهٔ اول

امریکائی و انتقاد های جنرال مک کریستال از بعضی از شخصیت های بلندپایهء قصر سفید این شایعات را تقویت می کند که پیچیده گی های جنگ در افغانستان موجب دودستگی در میان زمامداران امریکا شده است. درحالیکه که اختلاف در ناتو بر سر جنگ در افغانستان از قبل مشخص بوده است بخصوص انگلیس ها حتی از استراتژی اوباما در مورد جنگ در افغانستان ابراز نارضایتی کرده اند.

بدنبال استعفای جنرال استانلی مک کریستال و جانشینی جنرال پترائوس، بحث برسر تغییر تاکتیک در جنگ افغانستان بمیان آمده است. به نظر می رسد که ازدیاد تلفات نظامیان امریکائی در هفته های اخیر موجب گردیده تا در بخش تاکتیک های رزمی این نیروها تجدید نظر صورت گیرد. جنرال پترائوس نیز در سخنان خود پس از پذیرفتن این سمت به ضرورت چنین تغییری اشاره داشته است.

استراتژی به معنی تهیهء وسایل برای رسیدن به هدف است. تاکتیک عبارت از روش های بکارگیری وسایل است تا استراتژی را تحقق بخشد. پس هماهنگی تاکتیک با استراتژی یک از شرایط رسیدن به هدف است.

در استراتژی جدید امریکا برای افغانستان که با برکناری جنرال مک کرنان و تقرر مک کریستال بجای وی آغاز شد، تلاش در جهت تسخیر قلب و ذهن مردم افغانستان برای برقراری صلح در این کشور جنگ زده از اهداف اولی خوانده شده بود. از آنجائیکه کشتار غیرنظامیان مانع اصلی و اساسی بر سر راه رسیدن به این هدف تلقی می شد، جنرال مک کریستال تلاش نمود تا در بمباران های هوائی و حملات توپخانه که اهداف را از راه دور مورد آماج قرار می داد کاهش بعمل آید و نیروی پیاده در جنگ نقش جدی تر از قبل بعهده بگیرد. منطق ازدیاد سی هزار نیروی پیاده بر بنیاد این استراتژی نیز ناشی از همین باور بود تا تاکتیک رزمی متناسب به استراتژی جلب حمایت مردم افغانستان تغییر نماید.

این تاکتیک موجب کاهش تلفات غیر نظامی شد اما میزان تلفات نیروهای خارجی را افزایش داد. طوری که می دانیم، وقتی جسد سربازی به کشور متبوعش فرستاده می شود، حکومت تحت فشار افکار عمومی قرار می گیرد و این سوال مطرح می شود که چرا باید جان سربازان خود را در افغانستان مواجه با خطر سازیم در حالیکه در آیندهء قابل پیشبینی، پایانی برای این جنگ متصور نیست.

در اینجاست که فرماندهی جنگ در افغانستان در میان دو فشار، درگیر دشواری ها و چالش های فراوان است. نخست فشار افکار عمومی در کشور های خودشان که بدنبال کشته شدن هر سرباز حکومت در معرض سوال های جدی افکار عمومی و رسانه ها قرار می گیرد.

فشار دومی از جانب مردم و دولت افغانستان است که بر تلاش همه جانبه در کاهش کشتار غیرنظامیان تاکید دارد. با ازدیاد تلفات غیرنظامی، حکومت افغانستان نارضایتی شدید خود را از عملکرد نیروهای خارجی ابراز می نماید. در گذشته این مسئله موجب عکس العمل تند از جانب رئیس جمهور کرزی و سردی روابط میان کابل و واشنگتن شده بود.

فشار دیگری هم در این رابطه وجود دارد که از طرف متحدین امریکا بر این کشور وارد می شود. اخیرا نظامیان انگلیسی از تاکیک های رزمی نیروهای امریکائی در افغانستان شکایت داشته اند. این نظامیان به این باور اند که کاهش عملیات هوائی و احتیاط بیش از حد در حملات توپخانه موجب به خطر افتادن جان نیروهای خارجی در افغانستان شده است.

اختلاف میان امریکا و سایر اعضای ناتو در افغانستان هرچند تازگی ندارد و تا حد زیادی به اختلاف در منافع و مصالح ملی امریکا با کشور های عضو این سازمان نیز پیوند دارد. اما اخیرا با افزایش ناامنی ها، نوعی دست و پاچگی در میان نیروهای عضو ناتو مشهود است.

یک فرمانده انگلیسی در افغانستان، تاکتیک های رزمی را که بر بنیاد استراتژی جدید از جانب مک کریستال روی دست گرفته شد و هدف از آن حفظ جان غیرنظامیان بود برای نیروهای انگلیسی درگیر جنگ در افغانستان مضر و خطرناک توصیف کرد.

در حالیکه ناامنی ها در جنوب همچنان ادامه دارد، حملات مخالفین مسلح در شمال نیز وضع نیروهای خارجی بخصوص سربازان آلمانی را در کندز با چالش های فراوان مواجه ساخته است. درحالیکه افکار عمومی در آلمان بصورت روزافزون مخالف حضور نیروهای این کشور در افغانستان است، حکومت آلمان نمی خواهد با به خطر انداختن جان سربازانش در جنگ، این مخالفت را بیشتر سازد. پس نیروهای آلمانی مستقر در افغانستان باید فقط به دفاع از خود بپردازند و این مسئله حتی بر روند بازسازی که توسط تیم پی آر تی این نیروها که برای بهتر شدن وضع زندگی مردم در کندز بسیار موثر بود، تاثیر منفی برجا نهاده است.

کشور فرانسه با اعزام حدود ۳۷۵۰ سرباز به افغانستان، تاکنون در بخش آموزش نیروهای مسلح افغانستان سهم موثر داشته است. این کشور اعلام نموده که بزودی ۲۵۰ سرباز جدید به افغانستان گسیل خواهد داشت. این درحالیست که در این کشور نیز افکار عمومی با حضور نیروهای شان در افغانستان مخالف است.

در برابر این چالش های خطرناک، جنرال پترائوس باید به انتخاب گزینه ای بپردازد تا از یکطرف متحدین خود در ناتو را با کاهش تلفات سربازان شان راضی نگهدارد و به این ترتیب مانع از خروج آنان از افغانستان گردد و از جانب دیگر تلفات غیرنظامی در افغانستان را که در دوران فرماندهی جنرال مک کریستال به پائین حد خویش رسید، افزایش ندهد. این کار بسیار دشوار و نیازمند برنامه ریزی دقیق و تدبیر فراوان است.

به نظر می رسد که افزایش انتقاد های انگلیس ها، آلمانی ها و فرانسوی ها از استراتژی جدید امریکا در افغانستان، پترائوس را سخت نگران ساخته است. حضور این کشور ها در افغانستان برای نمایش یک اجماع بین المللی در جنگ افغانستان برای امریکا نه تنها ضروری بلکه حیاتی است.

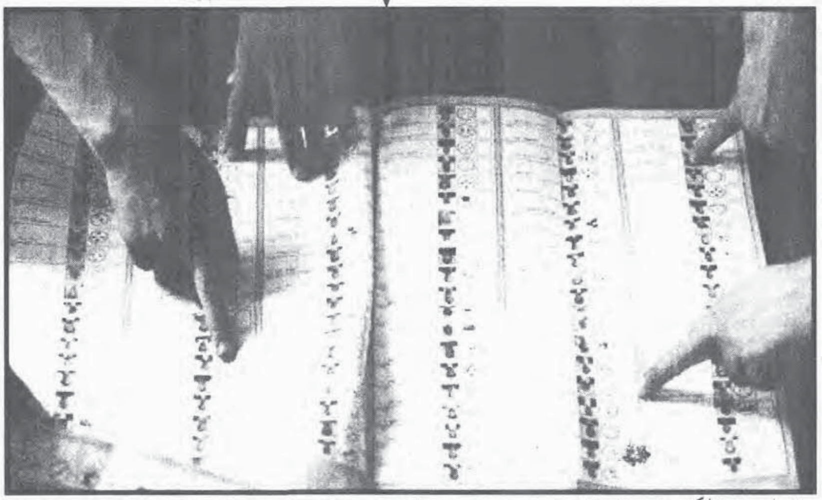
جنرال پترائوس در مورد تغییر تاکتیک سخنان متضادی بر زبان رانده است که نشان از دودلی وی دارد. او از یک طرف از ادامهء راه مک کریستال در افغانستان سخن می گوید و از جانب دیگر گفته است که حملات هوائی را در مناطق تحت کنترول و نفوذ طالبان در افغانستان تشدید خواهد نمود که این کار تلویحا به معنی انتقاد از تاکتیک های جنرال مک کریستال در افغانستان است.

سوال مهم برای ما افغانها اینست که آیا تغییر تاکتیک می تواند در تامین امنیت در این مرحلهء حساس که انتخابات بسیار مهم پارلمانی در پیش است، موثر باشد؟ تجربه نشان داده که حملات هوائی و حمله به مراکز دشمن از راه دور، امنیتی را که برای چنین منظور باید برقرار شود تامین نخواهد کرد و این نیروهای زمینی و بخصوص نیروی پیاده است که می تواند به این هدف کمک نماید.

اگر پترائوس بار دیگر به تاکیتک های جنگی که در دوران فرماندهی مک کرنان وقبل از وی معمول بود رو آورد، باید استراتژی اوباما که در آن جلب حمایت مردم افغانستان هدف اصلی بود، کنار گذاشته شود. در این صورت باید بصراحت گفت که استراتژی اوباما در افغانستان به شکست مواجه شده است.

اوباما استراتژی درستی را اتخاذ کرده و بار مسئولیت را بر دوش رئیس جمهور کرزی نهاده است تا مبارزه با فساد اداری را با جدیت دنبال کرده و اردو و پولیس ملی را تقویت نماید.

د هیلو او ګواښونو تر مینځه راتلونکې ولسي جرګه



ناصر شفیق

د نړۍ په تاریخ کې تل هغه حکومتونه پیاوړي اوسي چې د ټاکنو له لیارې مینځته راځي او دا ځکه چې حکومتونه او ادارې باید د ولس خادمان اوسي . خو د اجرائیه قوې دغه اصل هغه وخت تحقق مومی چې کله د اجرائیه قوې تر څنګه غښتلې مقننه اوسي : هغه چې په ریښتوني معنا د ولس استازې . د حکومت څارونکی او د قوانینو جوړونکې اوسي . زمونږ په هیواد کې ولسمشر د ټول ولس د نیغ په نیغه رایو ورکولو له لیارې ټاکلی کیږي چې د پنځو کلونو لپاره د واك خاوند ګرځي او که څه هم پارلمان او په ځانګړې توګه ولسي جرګه د هغه له واك څخه د لېرې کولو طاقت نلري خو د پالیسیو د رغون او ګټورتوب تضمین یې د وزیرانو د استیضاح او د ناکامی په صورت کې د باور سلبیدو په وسله هغه وخت ممکن کېداې شي چې په ولسي جرګه کې د پوهې او بصیرت کوونکې . د دیانت او عدالت پلي کوونکې او د ولس غږ اوچتونکې وکیلان شتون ولري . چې له همدې امله د هیواد د اساسي قانون له مخې دغه حق ولس ته ورکړای شوی دی. چې د خپلې خوښې نوماند ته په رایو ورکولو سره خپل آواز ولسي جرګې ته ورسوي . څو یې هیلې او غوښتنې د حکومت د چارواکو غوږونو ته ورسیږي او له همدې امله د ټاکنو هرې پروسې ته تل ولسونه د هیلې او امید په سترګو ګوري . خو چې کله ټاکنې د ټاکنو په نوم انتصابول اوسي نو بیا په هماغه کچه ولس له دا ډول پروسو څخه کرکه کوي چې لګښتونه یې ډیر او آغیزې د مثبت پر ځای په منفي لورې ورسم وي . نو له همدې خایه حکومت دنده لري چې ټاکنې بې پرې او شفافې ترسره کړي څو دولس ریښتوني استازي ولسي جرګې ته لیار ومومي او پدې هکله د هر ډول بې قانونۍ او درغلۍ مخه ونیسی او کاندیدان دنده لري چې د ولس د کار آسانولو لپاره خپل هغه ارمان او شعار د خلکو غوږونو ته ورسوي چې په بنیاد یې د ولس څخه رایې غواړي . ددې کارونو په ترسره کولو سره د حکومت او کاندیدانو دندې او مسؤلیتونه ترسره کیږي او پاتې دنده د ولس وي چې د پنځو کلونو لپاره د هیواد د تقنین .حکومت څارنې او ولس استازۍ او خدمت ویاړ چا ته بخښني . دغه کار په رآیو اچولو کې د ګډون له لیارې ممکن دی . چې د ولس خلك صحیح قضاوت وکړي او د ولسي جرګې د غړي په ګوته کولو کار د دیانت او امانت سپارنې په بنیاد ترسره کړي . چې له همدې امله دیني پوهان او اسلامي شریعت دراې ورکولو پروسې ته د یو دیني ارزښت او مسؤلیت په نظر ګوري او ولس دې ته رابولي چې خپله رآیه استعمالول د شهادت ورکولو.سفارش کولو . واك او وکالت. او امانت سپارلو په روحیه ترسره کړي . ځکه د دوې د رایو په نتیجه کې چې ولسي جرګه کوم کارونه ترسره کوي په هغو کې د ولس خلك په مسؤلیت کې شریك دي. نو ځکه اړینه ده چې د هیواد هر وګړي باید د نوماندانو . دیانت او عدالت . پوهه او بصیرت او دولس په مسئلو او عرف باندې پوهه او د رایت په نظر کې ونیسي او هغه چا ته رایه ورکړي چې له نورو څخه په دې دریو مواصفاتو کې مخکې او غښتلی اوسي .

د پاکستان د حکومت له خوا د پنجاب د نا امنیو په نتیجه کې د ملي کنفرانس پریکړه :

رفیق بحر

پدې وروستیو کې د پاکستان حکومت پنجاب آیالت او په ځانګړې توګه د جنوبي او مرکزي پنجاب سیمې د طالبانو د سختو حملو لاندې راغلي دي : پدې لړکې تیره جمعه د لاهور په داتا ګنج بخش زیارت کې چاودنه (چې د دوه سوو تنو په شمېر کې یې تلفات لرل) او ورسره سم په همدې ورځ بله چاودنه چې دواړه حملې د خپل نوعیت له مخې د پاکستاني حکومت لپاره غټ ګواښ وګڼل شو . ددې هیواد حکومت دې ته اړ کړ چې صدراعظم یې سید یوسف رضا ګیلاني اعلان وکړي چې د دولت مخالفو قوتونو (طالبانو) سره د تفاهم او یوې لیارې راویستلو لپاره به یو داسې ملي کنفرانس راوبلي چې د هیواد ټولو سیاسي ګوندونو ته پکې بلنه ورکړ شوې وي ، څو د دولت مخالفو طالبانو سره د جوړجاړي په لړکې کوټلې تصمیمونه ونیسی اونوښتونه پکار واچوي .

د پاکستان حکومت پداسې حال کې د دا ډول تصمیم نیونې اعلان کوي چې له یوې خوا په سیمه کې د ترهګرۍ (؟) پر خلاف د روانې جګړې طراح لوري (د امریکا هیواد) چارواکي او نظامي مسؤلین وخت په وخت له پاکستاني دولت څخه د طالبانو پر خلاف د جګړې د سختولو او پریکندو عملیاتو غوښتنه کوي او له بلې لورې د دغه هیواد د اپوزیسن مشر نواز شریف هم د طالبانو د زور موندنې لامله دوه اونۍ وړاندې ددې پیشنهاد کړی وو چې باید د طالبانو سره د جوړ جاړې او مذاکرې لیار خپله شي . دا صحیح خبره ده چې د پاکستان د حکومت او د اپوزیسن د مشر دغه څرګندونې د دغه هیواد دځمکنۍ بشپړتیا له ګواښ څخه د خلاصون او بچ کیدو لپاره یوه اړتیا ده او هر دولت حق لري چې پداسې حالاتو کې لازم تصامیم ونیسي .خو د نا امنۍ ستونزه د سیمې د هیوادونو جلا جلا ستونزې ندي او د افغانستان او پاکستان دواړه ګاونډي ورسره دا مهال لاس او ګریوان دي : بلکې له پاکستان څخه د نا امنۍ د ختمولو لپاره داسې تدابیر په کارواچولی شي چې د سیمې په دواړو هیوادونو کې په ریښتنې معنا د امن کوترې وزرې و غوړوي او هغه لاملونه ختم شي چې لامله یې له نږدې یو ې لسیزې راهیسې د ددې سیمې امنیت تر ورلې دی.

او پدې هکله باید د سیمې دواړه هیوادونه په صداقت سره قدم اوچت کړي او ددې کوښښ ونشي چې له خپله کوره د جګړې اور ګاونډي ته صادر کړي او یا خپل ځان ورڅخه خلاص او نور پکې راښکیل کړي ځکه امنیت ددواړو هیوادونو اړتیا ده او چې تر څو د ګاونډي پام ونه ساتل شي نو هیڅکله به هم د چا خپل کور کې داډ من امنیت او سوله رانشي .

او همدارنګه که د نړۍ په یو ګوټ کې هم د نا امنۍ په ختمولو کې د نورې نړۍ و ګرځي برخه وانخلي او په ریښتنې توګه د امنیت پلویان او غوښتونکې و نګرځي نورد نړۍ هم د نا امنۍ له ګواښ څخه نه خلاصیږي او بیا ډېر ژر وي چې د خپلو شومو ارادو په نتایجو کې ښکیل کیږي. نو له همدې امله د نړیوالې ټولنې تاریخي مسؤلیت دی چې په سیمه کې د قواو او نظامي اړتیاو د توازن فارموله په نظر کې وساتي او د نړۍ د سولې د ثباب لپاره چې د ملګرو ملتونو او نړیوالې ټولنې شریکه دنده ده د هغو عواملو په له مینځه وړلو کې ریښتونی کردار تر سره کړئ چې نړۍ د دریمې نړیوالې جګړې او یا سرتا سرې نا امنۍ له ګواښ سره مخ کوي

ویژگی های مبارزۀ اسلامی



فیض

ویژگی های مبارزۀ اسلامی نام کتابی است که به خامۀ توانای استاد دکتر فتحی یکن رهبر جماعت اسلامی لبنان و یکی از اندیشمندان بزرگ و چیره دست دنیای اسلام نگاشته شده و توسط آقای سیدناصرتقدسی، نویسنده و روزنامه نگار کشور مان به فارسی دری و به گونۀ شیوا و همه فهم برگردان شده است. این کتاب در اواخر سال ۱۳۸۸ خورشیدی، توسط انتشارات مستقبل، با قطع و صحافت زیبا، زیور چاپ یافته است.

کتاب مذکور دارای یک پیشگفتار، هشت بخش و یک ضمیمه بوده و مترجم نیز مقدمۀ کوتاهی بر این اثر، نوشته کرده است. در بخش نخست کتاب ضرورت تنظیم در فعالیت اسلامی، در بخش دوم ضرورت تکامل در فعالیت اسلامی، در بخش سوم ضرورت توازن در فعالیت اسلامی، در بخش چهارم ضرورت یگانگی فعالیت اسلامی، در بخش پنجم ضرورت تربیت جهادی در فعالیت اسلامی، در بخش ششم ضرورت تربیت امنیتی در فعالیت اسلامی، در بخش هفتم ضرورت جهانی بودن فعالیت اسلامی و در بخش هشتم ضرورت اصول گرایی و مرحله گرایی در فعالیت اسلامی مورد بحث و تأکید قرار گرفته است.

در بخش پایانی و یا ضمیمۀ این کتاب، موضوعات مهمی چون: عقب مانی فرهنگ تنظیمی، نقد و اصول شرعی آن، چگونگی تدویر همایش های تنظیمی و محاسبۀ روزانۀ یک مسلمان منظم و اصول آن به بر رسی همه جانبه و دقیق گرفته شده است.

آقای دکتر فتحی یکن، نویسندۀ این کتاب ارزشمند در خصوص اهمیت و ضرورت تألیف این اثر، در مقدمۀ آن می نویسد:

"دنیای اسلام، شاهد هنجارهای متعددی از اندیشه و بینش در قلمرو فعالیت اسلامی است. برخی از این بینش ها سلیم و اصیل و برخی دیگر منحرف و نادرست می باشند.

از این رو، طرح بینش انقلابی با اصول ثابت و چهارچوب های روشن و قابل اعتماد، به منظور سامان مند کردن فعالیت اسلامی، یکی از نیازهای مبرم بود که باید مورد توجه قرار می گرفت.

این بینش و اندیشه، با معیارهای ویژه یی که دارد، می تواند برای هر گونه فعالیت اسلامی، میزان قرار گیرد و گسترۀ مبارزۀ اسلامی را از بسا جریان های منحرف و دسته های مشکوک رهایی بخشد و پالایش دهد.

همچنان با این تصور، راه مستقیم از بیراهه تفکیک می گردد و دیگر مردم فریب شعارهای میان تهی و غیر قابل دسترس را نخواهند خورد و از ضیاع ظرفیت ها و استعدادهای اسلامی جلوگیری به عمل خواهد آمد و این امکان نیز فراهم خواهد شد که پس از این، کشورهای اسلامی صحنۀ تجارب ناگوار و بی ثمر برخی طرف های استفاده جو قرار نگیرند.

بنا بر این، به خاطر سهمگیری در طرح این بینش، کتاب (ویژگی های مبارزۀ اسلامی) نگاشته شده است تا به عنوان اصول انقلابی ثابت در حوزۀ فعالیت اسلامی، فعالان مسلمان را در راستای ارزیابی موضعگیری ها و ثبات گام های شان یاری رساند و آنان بتوانند کارها و برنامه های خویش را در خط درست و مسیر سلیم قرار دهند."

با توجه به مطالب مهم و ارزنده یی که در حوزۀ کار اسلامی و مبارزۀ مسالمت آمیز، در این کتاب مطرح شده، مطالعۀ آن را به تمام جوانان مسلمان به ویژه برای آنهایی که در راه اصلاح جامعه و برپایی نظام اسلامی تلاش می ورزند توصیه می نمایم.

درد و اندوه

سید ابراهیم "واذر" جرمی

ارسالی: سید نظام الدین "طاهری"

سید ابراهیم "واذر" جرمی زمانی که خود را در مبارزه با درد های متراکم شده از تاریخ تنش آلود گذشتۀ افغانستان، که جامعه اش به آن مبتلاست، ناتوان می بیند و پیوسته مشکلات مردمش را که روز بروز زیادتر گردیده و هیچ روزنۀ امیدی را برای سعادتمندی مردمش باز نمی بیند، تلاش می نماید تا درد های مردم مظلومش را در قالب اشعار سروده و راه های حل برای برون رفت ازین بحرانها را با اشک های گهر بارش طرح نموده و به نسل آینده که شاید توانائی برای حل و برون رفت ازین معظلات را داشته باشند ، پیشنهاد می نماید.

ایشان که ازین همه آلام و بحران هائی که پیوسته جامعه اش را به صد ها سال عقب رانده است و مردمش را به صد ها نوع از گرفتاری، بی بضاعتی [illegible] ها و بی عدالتی ها سوق داده است، نمی تواند به بی تفاوتی کنار رود و همه را نادیده بگیرد ، با درک مسؤولیت های دینی ،اخلاقی، وجدانی و انسانی خویش، همۀ آنها را با اشک هایش سروده و درج تاریخ نموده است تا پندی باشد برای نسل های آیندۀ کشور مظلوم و بی دفاع ما.

زگریه پر نم ار بستر نمی کردم چه می کردم
زغم گر خاک را بر سر نمیکردم چه میکردم
توان در پیکر هر بی نوا ، از چه رو نبود
زافغان گوش ها را کر نمیکردم چه میکردم
یتیم ما بهر برزن، بیاد نان همی گرید
نوا بر حال آن مضطر نمیکردم چه میکردم
عجوزی روزکی دیدم زدست فاقه می نالد
جنون از درد آن مادر نمیکردم چه میکردم
حقیر قوم از بهر لباس کهنه میگردد
حسر بر حال آن ابتر نمیکردم چه میکردم
به پهلوی مریضی ناتوان و عاجز و محزون
رخم را ، زاب دیده تر نمیکردم چه میکردم
بتو ای بیوۀ بیچاره و بی نان و بیزاد
گدائی مندرس(*) چاد ر نمیکردم چه میکردم
شریک ناله اندر بیت پرغم ای برادر ، من
پیاپی نالۀ مزهر نمیکردم چه میکردم
خدارا ، ای جوان باری عصای پیر مردی شو
گرت آگه به آن احقر نمیکردم چه میکردم
شنو ای چاپلوس مردم افگن تو خروش من
شکایت از تو یک دفتر نمیکردم چه میکردم
هزاران سینه از کار تو ای غماز مجروح است
فغان از شیوۀ تو سر نمیکردم چه میکردم
نگردد قانع از پول کمی من محتکر افسوس
تهی همیان خود از زر نمیکردم چه میکردم
علاج زخمم ا ز افغان و از ماتم نمیگردد
خراش سینه افزون تر نمیکردم چه میکردم
اگر از پول سودم نیست یک تعمیر نیکوئی
هوس یک خانۀ بی در نمیکردم چه میکردم
رفیق فاقه ام امروز از شهرت همی نازد
گریز از نزد آن پر شر نمیکردم چه میکردم
نمیگردم عقیب عمرو زید و هم دوکی آور
اگر ترک همه یکسر نمیکردم چه میکردم
ندارم همدمی تا راز دل را مو بمو گویم
مقامم دامن جلغر(*) نمیکردم چه میکردم
جناب با وفا یاری میسر نیست چون سازم
حواله جمله بر داور نمیکردم چه میکردم
مدان از بیغمان "واذر" تو ای بیدادگر اما
ترا بی غم اگر باور نمیکردم چه میکردم

(*) مندرس به معنی کهنه ، فرسوده ، بی رمق
(*) جلغر یکی از کوه های مرتفع در شهر فیض آباد استان بدخشان

پارچۀ ادبی غیرمنقوط

نویسنده: میرزا محمد الویری

نوشته یی که از نظر می گذرد نامه ایست که مرحوم میرزا محمد الویری به مرحوم احمدخان امیر حسینی سیف الممالک فرمانده فوج قاهر خلج رقمی داشته که شروع تا خاتمه نامه تمام از حروف بی نقطه الفبا انتخاب و در نوع خود از خواندنی های ادب زبان پارسی به شمار می آید .

انگیزه نامه و موضوع آن قلت درآمد و کثرت عائله و تنگی معیشت بوده است. این نامه در زمان ناصرالدین شاه بوده.

بسمه تعالی

سر سلسله امرا را کردگار احد، امر و عمر سرمد دهاد. دعا گو محمد ساوه ای در کلک و مداد ساحر و در علم و سواد ماهر. ملک الملوک کلام و معلم مسائل حلال و حرام. در کل ممالک محروسه اسم و رسم دارم. درهرعلم معلم و در هراصل موسسم .در کلک عماد دومم درعالم، درعلم وحکم مسلم کل امم سرسلسله اهل کمالم اما کوطالع کامکار و کو مرد کرم؟ دلمرده آلام دهرم. کوه کوه دردها در دل دارم. مدام در دام وام، و علی الدوام در ورطه آلام دهرم هر سحر و مسا در واهمه و وسواس که مداح که گردم و کرا واسطه کار آرم که مهامم را اصلاح دهد و دو سه ماهم آسوده دارد. مکرر داد کمال دادم و در هر مورد مدح معرکه ها کردم. همه گوهر همه در، همه لاله همه گل، همه عطار روح همه سرور دل، اما لال را مکالمه و کر را سامعه و کور را مطالعه آمد. همه را طلا سوده در محک ادراک آورده احساس مس کردم و لامساس گو آمدم. اما علامه دهرم، ملولم و محسود و عوام کالحمار محمود و مسرور ... لا اله الا الله وحده وحده دلا در گله مسدود دار در همه حال که کارها همه عکس. مدعا آمد علاوه همه دردها و سرآمد کل معرکه ها عروس مهر در آرامگاه حمل در آمد. عالم و عام لام و کرام، صالح و طالح، صادر و وارد، کودک و سالدار، گدا و مالدار، همه در اصلاح اهل و اولاد و هر کس هر هوس در معامله و سودا دارد آماده و اطعمه و هر سماط گرد آورده، حلوا و کاک، سرکه و ساک، کره و عسل، سمک و حمل، گرمک و کاهو، دلمه و کوکو، امرود و آلو، الی کلم کدو، همه در راه، مگر دعاگو که در کل محرومم و در حکم کاالمعدوم. اگر موهوم و معلول معدل سه صاع و دو درم ارده گردد حامد و مسرورم. مگر کرم سر کار اعلی که سرالولد و سرالوالد در او طلوع کرده و دادرس آمده، درد ها دوا، وامها ادا و کامها روا گردد.له طول عمر کطول المطر سواء له الدرهم، و که المدر دهد مرد را کام دل کردگار همه عمر آسوده و کامکار دل آرا همه کار و کردار او ملک در سما مادح کار او طول الله عمره و دمره حاسده، هلک اعدانه، اعطه ماله، اصلح احواله و اسعد اولاده مدام السماء

فرستنده : عبدالحسب ملکزاد

گسترد گی فساد مالی و اداری دادستان کل امریکا را به کابل فرا خواند



عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

ظرف ماه های اخیر حامیان بین المللی حکومت افغانستان سخنان تند و هوشدار دهنده به آدرس این حاکمیت ابراز میدارند و به این باور رسیده اند که، پیروزی با دهشت افگنی، در همکاری با یک نظام آلوده با فساد، کار مشکل خواهد بود. در این سخنان یک نوع آشفتگی و شکست استراتیژی جهانی نهفته است، برآیند این گفته ها میرساند، که حکومت کابل فاقد برنامه ملی است. این حاکمیت، حمایت، انرژی، وقت، پول و فرصت های بزرگ ایجاد شده از سوی جامعه جهانی را به هدر داده است. اداره اوباما به این باور رسیده است که با اداره نا کارا و فاسد نمیشود به جنگ اشباح رفت و در این کشور نظام سالم را بوجود آورد.

افغانستان در پایان خط اعتماد کشور های اروپایی؛ به ویژه امریکا قرار گرفته است. گسترده گی فساد اداری به حدیست که برخی از اعضای سنای امریکا عنوان کردند که دیگر حاضر نیستند برای حکومت فاسد افغانستان؛ حتا یک سنت کمک نمایند؛ زیرا این پول ها در خدمت مافیای مواد مخدر قاچاق و چپاولگران قرار میگیرد. این سخنان استخوان سوز، برای یک حکومتی که حمایت جامعه جهانی را با خود دارد، نه تنها شرم آور؛ بلکه مایوس کننده میباشد. چندی قبل دادستان کل افغانستان به رسانه ها، از مداخله سفیر امریکا در امور و حوزه صلاحیت کاری این اداره خبر داد. باید از دادستان کل کشور پرسید، پیش از آنکه این مقام عالی امریکا، سخن به شکایت آغاز کند و به امر و نهی بپرداز، این اداره کدام کاری، در خور عدل و انصاف را در کشور انجام داده است که حالا از مداخله شکایت دارد؟ گویا دادستان کل کشور خواسته است بار مسوولیت، تمام ناکامی های خود را به دوش خارجی ها؛ به ویژه امریکا، انگلیس و دیگران بیاندازد؛ طوری که قبل از این گفته ها، رئیس دولت وقتی خود را در برابر مبارزه با فساد، امنیت، باز سازی و باز گشت ثبات سیاسی ناموفق احساس کرد، بار مسوولیت را به خارجی ها حواله کرد و خود را قهرمان مبارزه ملی خواند و گفت: "خارجی ها استقلال کشور ما را از ما گرفته است". یک چنین سخنان در شرایطی عنوان میشود که از حمایت این خارجی ها از رئیس جمهور نزدیک به ۹ سال میگذرد. چنین سخنان پراگنده، فقط میتواند ابزاری برای فریب مردم بوده باشد. عنوان نمودن مداخله خارجی ها در حریم حقوقی این سرزمین در خور تأمل است؛ زیرا این خارجی ها بودند که شیوه های مدرن بازگشت به حقوق مدنی را به ارگان های عدلی و قضایی یاد دادند و این خارجی ها بودند که پول های زیاد خویش را در جهت ظرفیت سازی و تقویت کاری ارگان های عدلی و قضایی به مصرف رسانیدند. در این شکی وجود ندارد که همه روزه میشنویم و میخوانیم که خارجی ها بسیاری از ارگان های عدلی و قضایی ما را سمت و سو میدهند. مراکز آموزشی و پرورشی حقوقی از سوی این خارجی ها همه ساله تدویر می یابد. آیا میشود انکار کرد که خارجی ها هیچ کاری در عرصه فهم حقوق اساسی، در محاکم، شیوه های بررسی استنطاق و روش های متمدنانه را در محاکم بوجود نیاورده است؟ امروز دانشمندان و خبره گان کشور بر خلاف گفته های دادستان کل کشور به این باور رسیده اند که موجودیت فساد گسترده در افغانستان، جامعه جهانی را از اهداف نخستین خویش که مبارزه با دهشت افگنی، ثبات سیاسی، امحای مواد مخدر، باز سازی و ... میباشد از روزی ناگزیری به سوی مبارزه با فساد اداری کشانده و مبارزه با فساد را در اولویت های کاری خویش در افغانستان قرار داده است. بی مورد نیست که تداوم حکومت کرزی را امریکایی ها مشروط به مبارزه با فساد اداری، اصلاح اداره و حکومت داری خوب عنوان نمود؛ روی همین دلیل خارجی ها گفته اند که ما حق داریم، در امور مالی، اداری و حقوقی این کشور نظارت داشته باشیم؛ زیرا تمام تلاش ها و پول های کمک شده در این کشور، به هدر رفته است. نظارت در جهت اصلاح اداره را نمیشود مداخله گفت؛ زیرا به گفته خارجی ها دولتمردان افغانستان، از این توانمندی عاجز اند که در جهت مبارزه با فساد، از خود شایستگی نشان دهند. وقتیکه در محبوبیت حکومت آقای کرزی از سوی جامعه جهانی کاهش به عمل آمد و حکومت را آلوده به فساد خواند، شعار های مداخله خارجی ها در امور افغانستان از سوی رئیس حکومت عنوان گردید و رئیس دولت اظهار داشت که خارجی ها آمده اند تا استقلال ما را بگیرند. سر دادن واژه های استقلال، آزادی و خود ارادیت، برای کسی که به وسیله خارجی ها به قدرت رسیده است، باور کردنی نیست. فساد گسترده اداری موجب گردید تا دادستان کل امریکا را به افغانستان فرا خواند. سفر غیر منتظره اریک هولدر دادستان کل امریکا به افغانستان و ملاقات هایش با رئیس دولت، ارگان های عدلی و قضایی یکبار دیگر از گسترده گی فساد مالی و اداری در کشور حکایه می نماید. هولدر در سخنانش در شهر کابل به رسانه ها چنین اظهار داشت: "مبارزه با فساد و حمایت از قانون در افغانستان از مهم ترین اولویت های اوست و ما به همکاری خود با دولت افغانستان برای ایجاد و تقویه سیستم قضایی کار آمد ادامه میدهیم، سیستمی که مردم افغانستان مستحق داشتن آن میباشند". دادستان کل امریکا به افغانستان آمد، تا روند مبارزه با فساد را نظارت نماید. قبل از سفر هولدر به افغانستان یک هئیت بلند پایه امریکایی به هدف گزارش از فساد اداری به این کشور سفر نموده بود، این احتمال وجود دارد که سفر دادستان کل به سفر این هئیت در پیوند بوده باشد. سفر این مقام عالی امریکایی به افغانستان، این نکته را برجسته میسازد، که امریکا برای مبارزه با فساد جدی است، این سفر قبل از همه در جهت تبلیغات رسانه یی و جو سازی سیاسی کار ساز خواهد بود؛ در غیر آن این سفر کدام تاثیر فوق العاده در جهت محو و کاهش فساد نخواهد داشت. فساد در افغانستان تا کنون به شکل درست آن آغاز نیافته است. تا کنون هیچ مقام بلند پایه یی دولت مورد محاکمه قرار نگرفته و تعدادی از وزرای اسبق و بر حال کابینه که از سوی دادستان کل کشور به سؤ استفاده متهم بوده اند، دیگر به خاموشی سپرده شده است. در شرایط و اوضاع کنونی کشور، مبارزه با فساد، مغلق، پیچیده و حتا غیر ممکن به نظر میرسد؛ زیرا فساد را نمیتوان جدا از حاکمیت بررسی کرد و از آن نتیجه بدست آورد. دست یک انسان پر قدرت که در حاکمیت دست باز دارد، در پشت هر حادثه اختلاس، دزدی و قاچاق وجود دارد که حذف این اشخاص در حقیقت حذف بدنه مهم حاکمیت خواهد بود. گفته میشود که شعار مبارزه با فساد هم برای افغانستان و هم برای جامعه جهانی به ویژه امریکا به یک ابزار تبلیغاتی تبدیل شده است. فساد گسترده در شرایطی، به یک مبارزه جهانی در افغانستان تبدیل شده است که مقام های دولتی در کشور در تبانی با مافیای داخلی و خارجی دست به سرقت و تاراج ارزش های مادی و معنوی این کشور میزنند. ضرب الاجل شش ماهه دولت امریکا برای افغانستان به پایان رسید و در ختم این مدت کدام کار موثری در جهت مبارزه با فساد انجام نگرفت. جای داشت تا در این مدت، فساد، رشوه ستانی، غارت پول های کمک شده جامعهٔ جهانی به این کشور، به بررسی گرفته میشد و عاملان آن به داد گاه کشانده میشدند؛ اما هیچ یک از خواسته های امریکا و جامعه جهانی در این خصوص بر آورده نگردید و وضعیت به سمت شش ماه قبل خویش باز گشت. هر وقتی که دولت افغانستان به کم کاری و ضعف در برابر فساد مورد انتقاد شدید جهانی قرار گرفته است، حکومت افغانستان، فقط به تاسیس اداره های جدید به این انتقاد ها پاسخ داده است. تا کنون مبارزه جدی در برابر فساد اداری از سوی حکومت افغانستان صورت نگرفته است و به همین منظور کدام تغییر مثبت در وضعیت فساد و رشوه ستانی در اداره های افغانستان رونما نگردیده است، از جانب دیگر جامعه جهانی کدام اراده یی جدی و صادقانه در خصوص مبارزه با فساد اداری روی دست نگرفته اند. تداوم فساد، رشوه ستانی، بیروکراسی، بی قانونی گسترده در درون حکومت افغانستان، زنده گی را برای مردم رنج آور ساخته است، تاسیس اداره های رنگارنگ و تشریفاتی، نمیتواند جلو این همه فساد گسترده را در کشور بگیرد، باید این مبارزه به یک استراتیژی ملی تبدیل گردد و دولت اراده این پیروزی را داشته باشد.

یک موسسهٔ تحقیقاتی، از رشد رشوه خواری در کشور خبر داده است

موسسهٔ دیدبان اصالت افغانستان، که یک نهاد جامعه مدنی فعال در زمینه تحقیقات مرتبط با فساد مالی می باشد در این اواخر. در گزارشی گفته است که فساد اداری و مالی در تمامی جنبه های زندگی در افغانستان رسوخ کرده و در سال ۱۳۸۸ خورشیدی ۲۰۰۹م پرداخت رشوه توسط مردم این کشور نسبت به سال ۱۳۸۶ خورشیدی ۲۰۰۶ میلادی دو برابر شده است.

این موسسه، در گزارش خود می نویسد که در سال گذشته، هزینه رشوه خواری در افغانستان به مبلغی معادل یک میلیارد دلار بالغ شد و از هر هفت شهروند بالغ افغان، یک نفر در طول سال پرداخت رشوه را تجربه کرد.

در ادامه این گزارش امده است که در همین سال، ۲۸ درصد از خانوارهای افغان ناگزیر شدند دست کم در یک مورد، برای برخورداری از خدمات عمومی به پرداخت رشوه مبادرت کنند.

در عین حال، رشوه دهی و روشه خواری با فرهنگ سنتی این سرزمین بیگانه است و بسیاری از مردم عادی هنگام رشوه دادن. احساس ناخوشایندی دارند.

اما ناگزیری های اداری در اداره دولت افغانستان ونبود یک سیستم کارا سبب شده است مردم به حق وناحق مجبور به پرداخت رشوه شوند

به گفته موسسه دیدبان اصالت.

افزایش فساد باعث شده است تا دولت افغانستان برای مقابله با این مشکل اساسی. هم از سوی مردم و نهادهای داخلی این کشور و هم از سوی جامعه بین المللی تحت فشار شدیدتری قرار گیرد.

دراین اواخر برخی از مقامات ارشد دولت امریکا واعضای مجلس سنای آن کشور، در واکنش های مشابه تأکید کرده اند که دیگر حاضر نیستند یک سنت از مالیات مردم خود را به دولتی کمک کنند که آغشته به فساد است.

کاهش کمک های مالی امریکا به افغانستان

دیدگاه ها و چالش ها

گزارش از عنایت



نه سال است که افغانستان به کمک جامعهٔ جهانی در عرصه های مختلف به حیات نیم بند خود ادامه می دهد. انتظار می رفت دولت افغانستان از فرصت های پیش آمده استفاده های بهینه نموده، کشور را به سمت ثبات سیاسی واقتصادی رهبری کند.

اما همانطورکه به ملاحظه می رسد، طی این سال ها انتظاری را که مردم افغانستان وجامعه جهانی از دولت داشت برآورده نشده، با گذشت هر روز امید ها هم در داخل کشور وهم در نزد جامعه جهانی به یأس مبدل شده است.

اعضایی مجلس سنای امریکا هفتهٔ گذشته اعلام کرد، ایالات متحده امریکا تا سال ۲۰۱۱ کمک های مالی خود را به افغانستان به حد اقل خواهند رساند.

چندی پیش رئیس مجلس سنا در موضع گیری مشابه گفته بود. دیگر کشور ش حاضر نیست یک ... مالیاتی مردم امریکا را به کشوری کمک کند که مطمین نیست، به چه هدفی ودر کدام موارد به مصرف می رسد.

گستردگی فساد در افغانستان سبب شد که دادستان کل امریکا را به کابل بکشاند. دیدگاه ها ونگرانی های کشور را راجع به قضیه با مقامات افغان در میان بگذارد.

این اظهارات نشان میدهد که دولت افغانستان تا به کنون نتوانسته است شرکایی بین المللی خود را قناعت بدهد که هزینه های را که دوستان بین المللی کمک می کنند، در باز سازی افغانستان به مصرف می رسد.

در شرایطی که بیش از ۸۰ در صد از بودجه عادی وتوسعه یی افغانستان وابسته به کمک های کشور های بیرونی به ویژه ایالات متحده امریکا می باشد، کاهش ویا قطع این کمک ها چه تأثیراتی را در قبال معضل افغانستان می داشته باشد؟

سیف الدین سیحون استاد دانشگاه کابل وکار شناس مسایل اقتصادی در گفتگوی ویژه با مجاهد گفت: اشتباه جامعهٔ جهانی به ویژه امریکا این بود که از اول بیشترین کمک های خود را در بخش های نظامی به مصرف رساندند نه شاخص های انسانی وزیر بنایی که امروز مواجه با نوعی نا امیدی شده اند.

به باور آقای سیحون هر گونه کمک که در یک جامعه قبیله یی مانند افغانستان بر مبنای اهداف استخباراتی وامنیتی صورت بگیرد، درحقیقت از موثریت چندان برخور دارنیست.

استاد دانشگاه کابل معتقد است که با آمدن تغییر در دولت امریکا به رهبری اوباما، این دید تا جایی از بین رفت و دولت مردان امریکا به ویژه محلس سنایی آن کشور احساس کردند که کمک های امریکا طی نه سال گذشته حیف ومیل شده وازچگونگی ونحوهٔ مصرف این کمک ها هیچ کس پاسخگونیست و بنا برآن حق دارند چنین دیدگاه های را مطرح بسازند.

استاد دانشگاه انتقاد های اعضایی مجلس سنای امریکا را ناشی از دید منتقدانه ومشروط به شرایط آن کشور می داند وباور مند است ، درصورتی که چنین فشاری های از سوی جامعه جهانی بالای دستگاه آغشته به فساد آقای کرزی نباشد، هرگز انتظار بهبود اوضاع را در تمام عرصه ها بخصوص عرصهٔ اقتصاد که نیاز مبرم مردم است نداریم.

درعین حال این کارشناس اقتصادی می گوید، هر چند که بخش عمده حیف ومیل ها در افغانستان ازسوی نهاد های خارجی صورت گرفته است ، اما باز هم موضوع بر می گردد، به بی برنامگی وعدم توانایی های دولت افغانستان که نتوانسته است، میکانیزمی را ایجاد کند که در هماهنگی با دیگران، کمک های بیرونی در اقتصاد افغانستان تأثیر گذار باشد.

محمد قربان حقجو رئیس هئیت عامل اتاق های تجارت می گوید، درحال حاضر هشتاد در صد از عواید ناخالص ملی وابسته به کمک های بیرونی است. در صورتی که دوستان بین المللی در روند کمک های خود کاهش بیارند.

بدون شک از این ناحیه در قدم نخست مردم افغانستان وبعد اقتصاد شکنندهٔ این کشور بیشتر متضرر می شود.

وی اضافه کرد، قرار بررسی های که اتاق های تجارت افغانستان دارد طی دو سال گذشته سی درصد در مصارف خارجی ها کاهش به عمل آمده است که تأثیراتی خود را بالای تولیدات ناخالص ملی دارد.

حقجو می گوید: دوستان خارجی به جایی این که هزینه های کلان را در موارد نامعلوم به مصرف رساندند در قسمت زیر ساخت های کشور مانند راه سازی،انرژی برق، زراعت ورشد آموزش وپروش کادر های افغانستان هزینه سازی می کردند، امروز قسمت زیادی مشکل افغانستان حل می گردید و در عواید ملی رشد قابل ملاحظهٔ را مشاهده می کردیم.

او به طور نمونه از سکتور مخابرات یاد آور شده می گوید، سرمایه گذاری های که در قسمت مخابرات از سوی متشبثین خصوصی صورت گرفت، بیشترین عاید را به تولید ناخالص ملی وارد کرده است که سال گذشته این رقم به ۱۳۰ میلیون دالر بالا رفت.

رئیس اتاق های تجارت می گوید، امریکا پولی را در افغانستان به مصرف رساند که مالیات ودست مزد مردم امریکاست و باید دولت در این قسمت به دولت امریکا جواب گو باشد.

وی اضافه کرد، مطرح شدن خبر های فساد دولتی، در مطبوعات داخلی وبیرونی به مفهوم این است که این پول ها حیف ومیل شده است. این که کی ها این فساد را رهبری ونهادنه کردند، بدون شک

این فساد هم در درون دولت افغانستان وهم توسط کشورهای کمک کننده انجام شده است.

به باور آقای حقجو آنچه که قابل مکث است این که، تمام پول های که حیف ومیل شده اند لازمه آن تنها فسادی اداری نبوده، بلکه شیوه کار طرفین، چگونه گی عقد قرار داد ها، استخدام اشخاص نافهم ، عدم آگاهی از محیط کاری، نداشتن پالیسی شفافی که بتواند تطبیق پروژه را اولویت بندی کند وعدم هماهنگی بین دولت وکشورهای کمک کننده باعث شده است که کمک های بیرونی به هدر برود.

موضوع حیف ومیل شدن بودجهٔ افغانستان که بخش عمدهٔ آن توسط کشورهای بیرونی تمویل می شود

سوالات زیادی را در داخل وخارج کشور به بار آورده است.

آنچه که به عنوان یک نگرانی تا هنوز در نزد مردم باقی مانده، عدم پاسخگویی دولت ومراجع کمک کننده را جع به این قضیه می باشد و حتی هیچ کس نمی داند که کی ها ، در کجا، چه را مصرف کرده واسناد مصرفی آنها در کدام آرشیف بایگانی شده است؟

تأسیس یک مرکز عملیاتی وزارت دفاع آمریکا در شهر مزار شریف

وزارت دفاع امریکا پلان دارد تا یک مرکز عملیاتی خاص را در مزار شریف، در ۵۶ کیلو متری سرحد بین ازبکستان و افغانستان اعمار کند.

برای اعمار این مرکز عملیاتی که در ۷ هکتار زمین احداث می شود، حدود یکصد میلیون دالر امریکایی تخمین شده است.

به نوشتهء روزنامهء آیریش تایمز، بعد از در یافت آگاهی در مورد آغاز کار این پروژه، برندهء این مناقصه ۱۸ ماه وقت خواهد داشت تا کار اعمار این مرکز عملیاتی را تکمیل کند. در نتیجه، تا اواخر سال ۲۰۱۱ یا اوایل ۲۰۱۲ میلادی، این مرکز باید کاملاً آمادهء فعالیت باشد.

به نوشتهء روزنامه، محل بود و باش برای کارمندان، تعمیر مخابرات، مرکز عملیات تکتیکی، گدام، محل تعلیمات و مرکز خدمات صحی، شامل این این مرکز عملیاتی است.

جنرال دیوید در زمانی که



قوماندان قوای مرکزی امریکا بود، گفته بود که اعمار پروژه های ساختمان نظامی و انکشاف زیر بنا ها برای عملیات جاری ضروری پنداشته می شود.

یک سخنگوی قوماندانی عملیات خاص ایالات متحده، در مورد مسوولیت های مرکز جدید گفته است که، این مرکز به مثابهء ماموریت قوای خاص است که مشابه به عملیات جنگی مستقیم می باشد. بدین معنی که این مرکز دارای تاسیسات اکتشافی و دفاعی خاص است که از آن در سایر بخش های نیروی کمکی در افغانستان می تواند استفاده کرد.

گفته می شود، این مرکز به حیث دفاع خارجی و داخلی مورد استفاده قرار می گیرد. بدین مفهوم که شرکای امریکا مثل پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، و قرقیزستان را در بهبود توانایی شان کمک خواهد کرد تا امنیت شان را تامین نمایند

اردوغان کیست و چگونه به قدرت رسید؟



محمد مصدق فقیری

با نام رجب طیب اردوغان همه کسانی در سراسر دنیا آشنا اند که به مسایل بین المللی و نقش شخصیت ها در تحولات منطقه یی و جهان علاقه و توجه دارند. دفاع از مردم مظلوم فلسطین و تلاش در جهت یکپارچگی دنیای اسلام از اقدامات جسورانه و دلیرانهٔ آقای اردوغان است که درین ماه ها در اکثر رسانه ها از آن صحبت می شود. اردوغان به حیث یک سیاستمدار و دولتمرد مسلمان به افغانستان و مردم مسلمان و مجاهد و تحولات کشور ما علاقه دارد. پس بهتر است تا این مرد بزرگ را به اختصار معرفی نمائیم.

اگر کشتی های سلطان محمد فاتح در سال ۱۴۵۲ توانستند "قسطنطینه" قلب امپراتوری روم شرقی را تسخیر کنند و با این فتح بزرگ بر حکومت هزار سالهٔ این امپراتوری نقطه پایان گذارند، امروز رجب طیب اردوغان می کوشد تابا ارسال کشتی های امدادی به غزه به جای فتح سر زمین های بیشتر، قلب های بیشتری را در جهان اسلام و عرب فتح کند.

ترک ها حالا چشم به افق های بلند تری برای ملت و کشور خود دارند، افق های که کسب آنها دور از دسترس نیست و یکی از راه های میان بر این افق ها احیای امپراتوری نوین عثمانی و کسب رهبری جهان اسلام است، همانطور که ساموئل ها نتینگتون، اندیشمند امریکایی در کتاب "برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهانی" از ترکیه به عنوان یکی از شش کشور بزرگ اسلامی که توانایی رهبری جهان اسلام را دارد، نام برده است.

رجب طیب اردوغان در ۲۶ فبروری سال ۱۹۵۴ در شهراستانبول ترکیه و در یک خانواده مهاجر گرجی دیده به جهان گشود. وی دوران کودکی خویش را در رایز جایی که پدرش در نیروی دریایی ترکیه ایفای وظیفه می کرد، گذراند و زمانی که ۱۳ سال داشت به استانبول بر گشت. او نوجوانی بود که در خیابان های استانبول آب لیمو می فروخت.

اردوغان در سال ۱۹۶۵ از مکتب ابتدائیه و در سال ۱۹۷۳ از لیسهٔ عالی مذهبی امام خطیب فارغ شد و در مدرسهٔ عالی اقتصادی و تجاری که بعداً به دانشکدهٔ علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مرمره تغییر نام داده است، تحصیل کرد.

ثمرهٔ ازدواج رجب طیب اردوغان و امینه که در سال ۱۹۷۸ صورت گرفت، دو پسر به نام های احمد براک و نجم الدین جمال و دو دختر به نام های یسرا و سمیه می باشد. در اواخر دههٔ ۷۰ میلادی درگیری های بین گروه های چپ گرا و راست گرا در ترکیه رخ داد که منجر به کودتای سال ۱۹۸۰ ترکیه و منحل شدن بسیاری از احزاب سیاسی از جمله حزب رستگاری ملی به رهبری نجم الدین اربکان که اردوغان نیز عضو این حزب سیاسی بود، گردید. او در آن زمان در یک شرکت حمل و نقل استانبول کار می کرد.

اعضای حزب رستگاری ملی پس از آنکه در سال ۱۹۸۳ سیستم حزبی احیاء شد، حزب جدید به نام حزب رفاه را بنا نهادند که اردوغان نیز به آن ها پیوست. ولی چندین بار نامزد انتخابات پارلمانی ترکیه در اواخر دههٔ ۸۰ شد اما هیچ بار نتوانست که آرای کافی بدست آورد تا این که حزب رفاه در سال ۱۹۹۱ با به دست آوردن ۱۰ فیصد آرا توانست حد اقل آرا برای عضویت در پارلمان را به دست آورد. که اردوغان نیز از استانبول به عنوان نماینده انتخاب شد. سه سال بعد اردوغان در انتخابات ۲۷ مارچ ۱۹۹۴ به عنوان نمایندهٔ استانبول انتخاب شد و با اجرا نمودن

در ۱۴ اپریل سال ۲۰۰۷ حدود سیصد هزار نفر در اعتراض به نامزدی احتمالی رجب طیب اردوغان به ریاست جمهوری در انقره دست به تظاهرات زدند، زیرا آن ها می ترسیدند که با احراز این پست اردوغان سیستم سکولاریزم ترکیه را تغییر خواهد داد.

طرح های موفقی برای بهبود سیستم حمل و نقل، کمبود آب و آلودگی هوا به محبوبیت رسید، وی همچنین فروش مشروبات الکلی را در شهر استانبول منع قرار داد که پس از مدتی این قانون برداشته شد.

رجب طیب اردوغان در سال ۲۰۰۱ میلادی، حزب عدالت و توسعه را با همکاری اعضای سابق حزب فضیلت و انابکان ایجاد کرد و در سال ۲۰۰۳ به صدارت عظمی رسید. اردوغان در دوره کاری خویش موفقیت های زیادی دارد، او با همکاری که با کمال درویش اقتصاد دان بانک جهانی داشت، توانست رشد اقتصادی ترکیه را به ۷,۳ فیصد برساند. وی همچنین اعلام داشت که مخالف طرح کنترول جمعیت است زیرا در آینده نیاز به یک جمعیت جوان فعال خواهد بود.

اردوغان از سوی بانک جهانی به خاطر اصلاحات دلیرانه و ثبات اقتصادی مورد تقدیر قرار گرفته است.

در ۳ اکتوبر سال ۲۰۰۵ میلادی گفتگوها برای پذیرفته شدن ترکیه در اتحادیه اروپا رسماً در زمان رجب طیب اردوغان آغاز شد و اتحادیهٔ اروپا اردوغان را مرد سال ۲۰۰۴ اعلان کرد.

اولین سفر رسمی رئیس جمهور اوباما پس از انتخابش به عنوان رئیس جمهور ایالات متحدهٔ به ترکیه صورت گرفت. در زمان اردوغان روابط با یونان نیز به حالت عادی بازگشت و پرواز های بین ترکیه و ارمنستان نیز از سر گرفته شد.

عبدالله گل اولین رئیس جمهور ترکیه بود که به ارمنستان سفر کرد و اولین سفر رسمی جمهور ترکیه پس از ۳۳ سال به عراق نیز در زمان صدارت اردوغان بود که بیش از ۴۵ قرارداد و توافق نامه های تجاری بین دو کشور به امضا رسید.

حکومت ترکیه روابط خود با کردهای عراق را نیز با گشودن قونسلگری خود در موصل و راه اندازی دانشگاه ترکی در اربیل گسترش داده است.

بشارالاسد اولین رئیس جمهور سوریه بوده پس ۵۷ سال از ترکیه دیدن کرد. و در سال ۲۰۰۹ محدودیت ویزه نیز برای این کشور برداشته شد.

در ۱۴ اپریل سال ۲۰۰۷ حدود سیصد هزار نفر در اعتراض به نامزدی احتمالی رجب طیب اردوغان به ریاست جمهوری در انقره دست به تظاهرات زدند، زیرا آن ها می ترسیدند که با احراز این پست اردوغان سیستم سکولاریزم ترکیه را تغییر خواهد داد.

این تظاهرات هفته های متوالی و در شهر های متعدد ترکیه ادامه داشت اما اردوغان در ۲۴ اپریل اعلان کرد که حزب وی عبدالله گل را برای این پست نامزد کرده است. بدلیل این که پارلمان ترکیه نتوانست روی معرفی رئیس جمهور به توافق برسد، انتخابات پارلمانی زود هنگام فراخوانده شد که از جانب بعضی از احزاب سیاسی تحریم شد. اردوغان و حزب وی با به دست آوردن ۴۶,۷ فیصد آراء پیروز اعلان شد. وی به توافق رسیدن روی رئیس جمهور را ناشی از مشکل در قانون اساسی خواند. که در ریفراندنوم قانون اساسی ترکیه ۶۹ فیصد مردم این کشور رأی به تعدیل این قانون دادند.

تجمع کثافات سبب شیوع امراض می شود

کثافات در شهرهای مزدحم و پرنفوس آفتی است که باشندگان آندیار را به امراض گوناگون مبتلا می سازد.

در شهر کابل نسبت ازدیاد جمعیت، تراکم وسایط نقلیه و بندش راه ها، نبود آب روها، عدم موجودیت جایی مناسب برای کثافات، نبود ساحات سبز، استفاد از جنریتور و مواد سوخت غیر مجاز به خصوص در داش های پخته کنندهٔ خشت، محیط زیست را آگنده ساخته است.

عدم رسیدگی مسوولین تنظیف شاروالی، انباری از کثافات در کوچه ها و حتی در جوار سرک های عمومی شهر کابل، در این فصل گرما، بوی و تعفن آن باعث اذیت و آزار هموطنان می گردد. تاجایی که دیده شده در جوار مکاتب نیز این کثافات انبار شده که جان شاگردان در معرض خطر قرار می گیرد.

تعدادی از اطفال به خاطر پیدا کردن چیزی، در میان کثافات گشت و گذار می نمایند که هم خود در معرض خطر قرار دارند و هم انتقال دهندهٔ مکروب به دیگران و خانواده های شان می گردد.

پاک کاری شهر کابل وظیفهٔ شهرداری و محیط زیست است تا به رفع این موضوع رسیدگی لازم نمایند.



همچنان بر باشندگان شهر کابل است تا نظافت را مراعات و در ریختن کثافات به جاهای تعیین شده، خود و باشندگان کشور را از شر امراض در امان نگهدارند. و بر بزرگان خانواده ها و معلمان مکاتب است تا به اطفال توصیه نمایند که در محلات تجمع کثافات گشت و گذار و بازی نکنند.

اداره ملی حفاظت از محیط زیست، وضعیت آلودگی هوای کابل و شهرهای بزرگ کشور را نگران کننده خوانده گفته اند در صورتی که توجه جدی در زمینه صورت نگیرد، تا پنج سال دیگر زندگی در شهر های بزرگ، به خصوص پایتخت کشور مشکل خواهد بود.

بنا به گفتهٔ دکتوران، طی سال های اخیر واقعات بیماری تنفسی در شهر کابل بیش از ۱۰درصد افزایش یافته است. اگر به این امراض رسیدگی نشود و مردم نیزتوجه نداشته باشند. ممکن است این بیماری افزایش یابد.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ دوازدهم ۱۹ سرطان ۱۳۸۹ ۲۸ رجب المرجب ۱۴۳۱ - 10 july 2010

کاهش کمک های مالی امریکا به افغانستان

دیدگاه ها و چالش ها





گستردگی فساد در افغانستان سبب شد که دادستان کل امریکا را به کابل بکشاند، دیدگاه ها و نگرانی های کشور را راجع به قضیه با مقامات افغان در میان بگذارد.

ص ۶

قیام چنداول

همنوا

افغانستان کشور قیام ها و خیزش هاست. مردم سرزمین ها در درازای تاریخ همواره در برابر تهاجم و یورش بیگانگان، سینه ها را سپر ساخته و مردانه از کشور خویش و نوامیس آن دفاع کرده اند.

تاریخ شاهد است که مردم دلیر و قهرمان ما در دو قرن گذشته در برابر دو تهاجم و لشکر کشی انگلیس که بزرگترین ابر قدرت قرن نوزده بود، و همچنین تجاوز ننگین نظامی ابر قدرت شوروی در قرن بیست، از دین و ناموس و آزادی سر زمین خویش، دفاع کردند و با تقدیم میلیون ها شهید و میلیون ها مجروح و معلول، یکی از ابواب از این تاریخ آزادی خواهی بشر را رقم زدند و نام خویش را به حیث مردمان مقاوم و مجاهد و ضد استعمار و سلطه گری، ثبت این اوراق نمودند.

کودتا های ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و ۷ ثور ۱۳۵۷ و تجاوز نظامی شوروی ها در ۶ جدی از فاجعه های ننگین تاریخ معاصر کشور ماست که قیام های مردمی و قربانی های ساکنان این مرزوبوم، جواب های دندان شکنی بود که به متجاوزین و غاصبین داده شد و در کنار غصب، تهاجم و تجاوز، کلمات افتخار آفرین قیام، جهاد و قربانی را نیز به خط درشت و زرین ثبت تاریخ کشور، منطقه و جهان نمود.

تاریخ قیام های مردمی در کشور ما، به ویژه پس از ۷ ثور ۱۳۵۷ بسیار پرشکوه و پر از خاطره هاست. این قیام به فاصلهٔ زمانی زیاد صورت نگرفته بلکه متداوم و پایدار بوده است. نه تنها هر سال و هر ماه بلکه هر هفته و هر روز مردم ما در برابر الحاد وتجاوز قیام کرده و یا به قیام های شان ادامه داده اند. متجاوزین خارجی و چاکران داخلی آن ها از این قیام های مردمی درس گرفته و در نهایت چاره یی جز فرار و تسلیم نداشته اند.

متجاوزین و رژیم چاکر، تبلیغ می کردند که مردم ولایات و ولسوالی ها از سواد بی بهره اند و از مزایای ترقی و پیشرفت بی خبر و بر این بناست که با اهداف و برنامه های ترقی خواهانهٔ رژیم مزدور و شوروی تجاوزگر مخالفت و مقاومت می کنند... اما مردم شهرها و مراکز به دلیل آگاهی های سیاسی با رژیم و حامی خارجی آن مخالفت نمی نمایند و از آن حمایت می کنند...

قیام های پی در پی مردم کابل بر ضد رژیم دست نشانده و ابر قدرت مهاجم خارجی، نشان از آگاهی های دقیق سیاسی این مردم داشت و هرگز در برابر این رژیم مزدور و تجاوز خارجی سر خم نکردند و به مبارزهٔ خویش ادامه دادند.

قیام مردم کابل که بیشتر مردم چنداول در آن نقش داشتند و آغازگر آن بودند، دارای چند مشخصهٔ ممتاز بود:

۱ــ در این قیام مردم کابل به دور و بی توجه به پیوند های قومی، زبانی و مذهبی، سهم داشتند و هرگز این پیوند ها مانع اتحاد، وحدت، یکدلی و مبارزهٔ شان نشد.

این مردم همه در یک صف و دریک سنگر قرار گرفتند و بیرق جهاد را بر افراشتند و از ایمان، عقیده و نوامیس دینی و ملی خویش دفاع کردند...

قیام مردم چنداول برای همه مردم افغانستان یک درس و سرمشق بود و هرگز در میان صفوف مجاهدین به نام زبان، قوم و مذهب درز ایجاد نگردید و همه متحدانه در برابر دشمن قرار گرفتند.

قیام چنداول یک خصوصیت ممتاز دیگر نیز داشت و آن نبود پناه گاه و عقب نشینی بود. در جبهات جنگ، مجاهدین می توانستند که بر مراکز نظامی دشمن یورش ببرند و دوباره به قرارگاه های خویش بر گردند ولی در شهر کابل این امکانات وجود نداشت و قیام و بپاخاستن به معنی پذیرش کامل مرگ و قربانی بود و مردم ما مردانه وار در راه خدا شهید شدند و همه ادعا های دروغین دشمن را غلط ثابت ساختند. کابلیان آگاه، دلیر و با احساس، در برابر دشمن داخلی و بادار خارجی آن قیام کردند و از کشور، دین و آزادی خویش دفاع نمودند.

روان همه شهدای راه جهاد و استقلال کشور شاد باد!

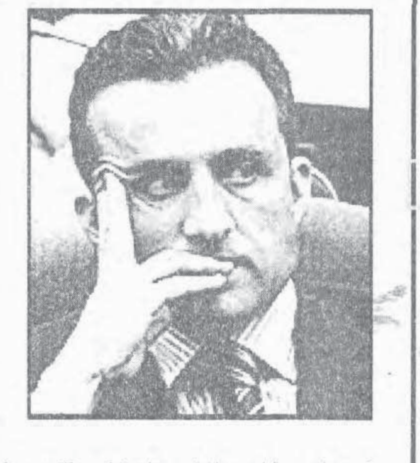
امرالله صالح سابق رئیس امنتی ملی:

انگیزه نمرده است، استقامت وجود ندارد

امرالله صالح سابق رئیس امنیت ملی، که بعد از برگزاری جرگهٔ مشورتی صلح از وظیفه اش استعفا داد، هفتهٔ گذشته در مصاحبهٔ که با تلویزیون طلوع داشت، بالای حکومت انتقاد کرد و از بیداری و انگیزه دار بودن ملت افغانستان تمجید نموده گفت: تا جایی که من با اقشار مختلف کشور در تماس هستم انگیزه نمرده است اما استقامت وجود ندارد.

آقای صالح در مورد این که، کسانی اند جنگ افغانستان را یک جنگ داخلی می خوانند، رد کرد و گفت: داخلی خواندن قضیهٔ افغانستان جفا است. هرگاه این یک جنگ داخلی باشد پس حضور ۱۵۰۰۰۰ نیروی ناتو را چه توجیه می کنید.

امرالله صالح طالبان را از ناحیهٔ کمیت ناچیز اما



با دسپلین و دارای ساختار منظم خوانده گفت: با گروهی مواجه ایم که سنگر شان در پاکستان است و از آن طریق تمویل و تجهیز می شوند.

آقای صالح افزود: حکومت افغانستان همیشه تلاشش این بوده تا به دشمن امتیاز دهد و محور اندیشهٔ حکومت فقط این است که طالبان چگونه راضی شوند. و همیشه با لحن تضرع و زاری آن ها را قرا می خواند.

رئیس سابق امنیت ملی در ادامه گفت، درست است که ما به صلح نیاز داریم و صلح می خواهیم اما طرفدار صلح با عزت هستیم.

آقای امرالله صالح در زمانی که در پُست ریاست امنیت ملی هم قرار داشت، انتقاد ها و پیشنهاداتی اش را با صراحت در برابر رسانه ها و شورای ملی اظهار می داشت و بر حکومت صریحاً انتقاد داشت که تروریستان را نیروهای امنیتی ما با دادن هزینه های جانی و مالی، دستگیر می کنند اما حکومت بعضی آن ها را به بهانه های مختلف رها می کند.